

به مناسبت سی و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)



خطّ امام...

ویژه مبلغان، مربیان و فعالان فرهنگی تربیتی در عرصه نوجوان

- اندیشه توحیدی امام خمینی (ره)
- طرح جامعه سازی انقلابی
- تجارت اندیشه با سرمایه معنوی
- انسان شناسی انقلاب اسلامی
- وارثان روح الله



خط امام...

ویژه مبلغان، مربیان و فعالان فرهنگی تربیتی در عرصه نوجوان

- اندیشه توحیدی امام خمینی
- کمربندها را محکم ببندید
- لطفا با چراغ روشن حرکت کنید
- طرح جامعه سازی انقلابی
- تجارت اندیشه با سرمایه معنوی
- مراقب باشیم سیلی نخوریم
- انسان شناسی انقلاب اسلامی
- وارثان روح الله
- سلوک عبادی

رهبر معظم انقلاب اسلامی:

اگر به نام انقلابیگری، به نام عدالت خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما میدانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایذاء و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابیگری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده ایم.

۱۳۹۰/۰۳/۱۴





پرونده ویژه

محمد رضا کنعانی

اندیشه توحیدی حضرت امام خمینی (قدس سره)

توحید سه عنوان پایه‌ای‌ترین مفهوم در میان مفاهیم اسلامی - همواره از جایگاهی رفیع در میان تعالیم انبیا برخوردار بوده است و آنان تلاش کرده‌اند تا قبل از هر اقدام تربیتی، مفهوم توحید را در ذهن و دل توده‌های مردم بارور کنند. مفهوم توحید در تعالیم اسلامی، مفهومی ذهنی نیست که پذیرش یا عدم پذیرش آن تأثیری در حیات فردی و اجتماعی نداشته باشد، به تعبیر امام خمینی (ره): «انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل در

همه شئون جامعه سایه می‌افکند»^۱. بنابراین، توحید، مفهومی است که تأثیر خود را در رفتار فردی و اجتماعی مردم آشکار می‌کند. از این رو، جریانات مقابل انبیا نیز از همان ابتدا در مقابل آن سنگر گرفتند، چه اینکه به خوبی می‌دانستند باور به توحید، تنها یک اعتقاد و باور روحی نیست، بلکه پذیرش آن همه روابط انسانی را دستخوش تغییر می‌کند. شعار و تماد حرکت پیامبر اکرم (ص) در سال‌های ابتدایی بعثت، چیزی بیش از «قولوا لا اله الا الله» نبود و هنوز سایر مفاهیم اساسی دین مانند تعالیم اقتصادی، اجتماعی و حتی عبادات - به طور کامل تشریح نشده بود، با این حال، جریانات مقابل با وقوف به لوازم پذیرش توحید و یگانگی خداوند، از پذیرش آن سرباز می‌زدند.

توحید در اندیشه امام

مفهوم توحید، محوری‌ترین بخش اندیشه امام خمینی به عنوان عالمی جامع با اندیشه‌های نظام‌مند - را تشکیل داده و این مفهوم است که به سایر مفاهیم جهت می‌دهد. ایشان به خوبی می‌دانست که آن معنایی که سایر مفاهیم و تعالیم را در جای خود قرار می‌دهد، همان مفهوم توحید است. بدون توحید، مفاهیم مقدسی چون عدالت،

اخلاق، عبادت و... نه تنها کارکرد اصلی خود را از دست می‌دهد، بلکه ممکن است به ضد خود تبدیل شود. از این رو به هر میزان که نسبت به این مفهوم اهتمام شود، سایر عرصه‌های فکری و عملی نیز سامان خواهد پذیرفت. از این رو تأثیرات و نتایج باور به توحید در همه زمینه‌ها قابل ردیابی است. امام (ره) با آگاهی و اشراف بر این موضوع، خود به روشنگری پیرامون آن در حوزه‌های گوناگون پرداخته است.

توحید و روابط بین الملل در اندیشه امام

یکی از مسائل بحث‌برانگیز پیرامون موضوع توحید، بحث از حدود روابط امت اسلامی با جامعه بین‌الملل است. اصل مناقشه آن است که از آنجا که با پذیرش توحید مردم به دوستی موحد و غیر موحد تقسیم شده و طبق شریعت اسلامی برای هر یک احکام جداگانه‌ای وضع می‌شود، روابط انسانی و بین‌المللی نیز دستخوش تغییر می‌گردد. این تغییرات میان موحدان و غیر موحدان فاصله می‌اندازد و چه بسا موجب جدال و ستیز شود. در نتیجه این سؤال مطرح می‌شود که آیا پذیرش توحید مستلزم قطع رابطه یا هجوم به غیر موحدان است؟



۱

اگرچه برخی برداشت‌های سطحی و غیر عقلائی از توحید چنین نگاهی را مطرح کرده و در عمل نیز پای‌بندی خود را با تشکیل گروه‌های سلفی چون داعش و نشان داده‌اند، اما اندیشه توحیدی در نگاه امام به علت اتکا به عقل و سیره انبیا و اولیاء در جایگاهی منطقی و معقول نشسته است.

در اندیشه امام، اگرچه پذیرش توحید ملاک‌های فردی و اجتماعی را جابه‌جا کرده و همه چیز را حول محور ایمان و عدم ایمان به خدا بازسازی می‌کند، اما این نگاه الزاماً متجر به نگاه تهاجمی و ستیزه جویانه نمی‌شود.

گاهی ممکن است کیان اسلام مورد تعرض قرار بگیرد؛ در چنین مواردی بدیهی است که چه توحید را بپذیریم و چه نپذیریم - به حکم عقل باید در مقابل مهاجم ایستاد و از سرزمین دفاع کرد. اصولاً فرض دفاع در مقابل مهاجم از محل بحث بیرون است، امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «ما با کشورها مخالفتی نداریم، ما با دولت‌هایی که ظالم هستند

چه به ما ظلم کرده باشند و چه به برادران مسلمان ما ظلم کرده باشند و بکنند، با آنها دشمن هستیم».^۲

اصولاً فرض بحث در جایی است که روابط معقول و منطقی مبتنی بر احترام متقابل بین طرفین وجود دارد و خطری کیان اسلام را تهدید نمی‌کند، بر اساس اندیشه امام، آنگاه که روابط سالم و عقلانی بین موحدان و غیر موحدان برقرار است و تعرضی متوجه جهان اسلام نیست، پذیرش توحید - چنان‌که آیات قرآن کریم نیز به صراحت به همین مطلب اشاره می‌کند^۳ - به معنی قطع رابطه با جهان غیر توحیدی و یا تهاجم ابتدایی به آن نیست، امام خمینی (ره) در این رابطه می‌فرماید:

«ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، تسلیم احکام مقدس قرآن و اسلام‌اند و به حکم قرآن مجید خود را برادر ایمانی تمام ملت‌های اسلامی و کشورهای مختلف از حیث فرهنگ و جغرافیا می‌دانند و صلح‌جویی و زندگانی مسالمت‌آمیز را با تمام دولت‌ها و ملت‌ها طالب می‌باشند و تا دولتی به حریم کشور آنان تجاوز نکند و متعهد به احکام

اسلام باشد، آن را برادر خود می‌دانند».^۴

اتکا به نصرت الهی، نتیجه باور به توحید نکته مهم در اندیشه امام، آن است که بر خلاف فهم برخی جریان‌های متحرفه پذیرش توحید و نفی کفر و شرک به معنی لزوم ستیز و از بین بردن غیر مؤمنان - آن هم در شرایط زندگی مسالمت‌آمیز - نیست، بلکه آنچه شاخص و متمایز کننده اندیشه توحیدی امام از سایر فرق و اندیشه‌ها است، باور به نیرو و اراده الهی در تحقق امور است، به عبارت دیگر، در نگاه امام، باور به نیرو و اراده الهی و نصرت او و اتکا به نیرو و توان داخلی، یکی از لوازم اصلی پذیرش توحید است.

«کار خودتان را تعقیب کنید؛ دل‌سرد نشوید، هیچ نداشتیم و همه چیز داشتند، ما به اینها غلبه کردیم، سأمیوس نشوید، اتکا به خدا بکنید و اتکا به ایمان بکنید؛ وحدت کلمه پیدا بکنید».^۵

در طول تاریخ، مسلمانان در باور به نصرت الهی و نیروی درونی خود دچار خوف و رجا بوده‌اند، آن‌گاه که با اتکا به نصرت الهی خود را باور کرده و استقامت کرده‌اند، پیروز

شده‌اند و آن‌گاه که از اتکا به خدا غافل و در راه پیشرفت دچار سستی شدند و به دیگران تکیه کردند، به ولایتی و ضعف دچار شدند. در نگاه امام، لازمه توحید قطع رابطه با دنیا - چنان‌که برخی امروزه اندیشه امام را این‌طور می‌فهمند و تبلیغ می‌کنند - نیست؛ بلکه ثمره اصلی پذیرش توحید، باور خویشتن و کنار گذاشتن ضعف و وادادگی در سایه اتکال به خداوند متعال است.

ایستادن روی پای خود، صاحب اراده بودن و استقلال رأی، نکات مهمی هستند که هر ملتی در راه پیشرفت باید آنها را در خود بارور کند.

«امیدوارم که مغزها را به کار بیندازند و آن خوف‌هایی که ایجاد کرده بودند در کشور ما، آن را هم کنار بگذارید و با شجاعت وارد بشوید و کار خودتان را انجام بدهید، همان‌طوری که با شجاعت ابرقدرت‌ها را خارج کردید، با شجاعت در فرهنگ خودتان کار بکنید و در کارهای خودتان، خودتان عمل بکنید و اتکالی خودتان را هر روز به خارج کم بکنید، و یک وقتی برسد که هیچ اتکا به خارج، مانده باشد».^۶

زمانی که ملتی روی پای خود ایستاده، روابط وسیع با دیگران نیز برای او مفید خواهد بود، اما اگر روحیه زبونی، سستی و راحت‌طلبی در میان ملتی رواج پیدا کند، اتکا به بیرون و گسترش بی حساب و روابط بین‌المللی، بر سستی و ولایتی او خواهد افزود، «و وصیت



کمر بندها را محکم ببندید

مبارزه‌ازلی ابدی

محمد طاهری

شاگردان خویش، حوزه و ایران را به بستن کمر بندها توصیه می‌کرد: «خود را آماده کنید برای زنبان رفتن... خود را آماده کنید تحمل مصائبی که در راه دفاع از اسلام و استقلال برای شما در پیش است. کمر بندها را محکم ببندید»^۱ او خود البته سال‌ها قبل جزم بودن عزمش را نشان داده بود: یادگاری در کتابخانه وزیر یزد برای تاریخ و پرتکرارترین نصیحت خدا از زبان خمینی: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاجِبَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَتًى وَفَرَادًى»^۲ از شروع نهضت به بهانه تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، تا اولین باری که شمشیرش

اولخر تیرماه ۱۳۶۷ بود. قرار بود امام خمینی پیام صلحی بنویسد صلحی که عقلای قوم سرمستش بودند، برای خمینی جام زهر بود. ولی پیام صلح امام، به جای آنکه همچو جنگ و نوید آرامش و ساختن کشور باشد، گستردن دایره مبارزات و مستی بر زمین تکیده نیازدگی بود. او در پیامش تا توانسته بود نفی طاعوت کرده بود نفاق اسلام حاکم بر ممالک مسلمین، آمریکا، اسرائیل و شوروی پرونده‌های بعدی روی میز بودند. گویا فقط پرونده صدام بسته شده بود! در این میان اما رأس افعی معلوم بود: حرم، حرم بود، اما برای آمریکا! «و کسی که به آمریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد»^۳ برای او تازه مبارزه اصلی شروع شده بود و از امت خویش می‌خواست کمر بندها را ببندند، که هیچ چیز تغییر نکرده است.^۴ بستن کمر بندها! درخواستی آشنا برای اقائی که مخاطب تاریخی امام بودند، آن زمانی که نهضت را تازه شروع کرده بود: اسفند ۴۱.

دولت شاه، مشغول لگندیرائی سیاسی به دین خدا بود. حاج آقا روح‌الله خمینی



منطق، فکر و راه امام، عملیاتی و قابل تحقق در میدان عمل بود؛ به همین دلیل هم به پیروزی رسید و پیش رفت.

این متن، گوشه‌ای از کتاب قرائت اصلی است: قرائت اصلی، روایتی است که مقام معظم رهبری با گذشت ۲۶ سال از فقدان بنیان‌گذار انقلاب، از شخصیت، راه و کار او می‌گوید. کار روح‌الله خمینی تنها پیروزی یک ملت نبود، بلکه پی‌ریزی مکتبی بود که برای نسل‌های بعد خود الگو، راهنما و رهنمودی باشد تا آنها را به راه و هدفی که ایشان تعریف کردند، برساند.

این کتاب ۵۵ صفحه‌ای - در عین ایجاز و کوتاهی - ابتدا شخصیت این مرد بزرگوار را مورد تحلیل قرار داده، سپس کاری که ایشان ابتدا برای ملت ایران و سپس مسلمانان جهان انجام داد تبیین کرده است. این اثر همچنین تفاوت عمده‌ای با کارهای مشابه خود دارد: ابتدا اینکه تنها از سخنان رهبری استفاده شده، دیگر اینکه هر جا مشابه این سخنان از امام نقل شده، به صورت حواشی آن مطلب ذکر گردیده که باعث غنای مطلب و تطبیقی شدن آن شده است.

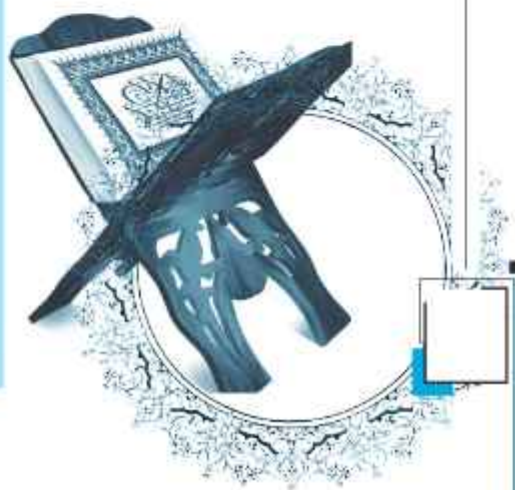
این کتاب نفیس در بهار ۹۵ توسط مؤسسه شهید کاظمی در ۵۰۰۰ نسخه منتشر شده است.

من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است، کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد، قیام کنید»^۵

توجه به اندیشه امام می‌تواند ما را در تشخیص راه صحیح زندگی امروز یاری کند. بر این اساس، ردیابی اندیشه توحیدی امام (ره) در سایر حوزه‌های فکری و عملی، امری مهم و ضروری است.

پی‌تیش‌ها

- (۱) امام خمینی، سید روح‌الله: «صحیفه نور» ج ۵، ص ۱۸۱.
- (۲) همان، ج ۵، ص ۳۴۶.
- (۳) مستحبه (۱۶۰)، ۸ و ۹.
- (۴) امام خمینی، پیشین، ج ۱۶، ص ۴۷.
- (۵) همان، ج ۶، ص ۳۴۹.
- (۶) همان، ج ۱۶، ص ۸۴.
- (۷) وصیت‌نامه سیاسی و الهی امام خمینی (ره)، ص ۵۶.



علیه اسرائیل و آمریکا کشیده شد، فاصله‌ای نبود. آواز همان آغاز گفت «ربنا الله؛ مری ما آمریکا نیست، مری ما انگلیس نیست، مری ما اسرائیل نیست، مری ما خداست.» و هر چه هم پیش رفته، بیشتر با اصل طاغوت درگیر شد: «دنیا بداند که هر گرفتاری‌ای که ملت ایران و ملل مسلمین دارند، از اجانب است؛ از آمریکا است...»

آمریکا است که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند.

آمریکا است که به اسرائیل قدرت می‌دهد.

آمریکا است که وکلا را سیا بی‌واسطه یا با واسطه - بر ملت ایران تحمیل می‌کند.

آمریکا است که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می‌داند.

آمریکا است که روحانیون را خار راه استعمار می‌داند.

آمریکا است که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب‌نامه مفتضحی را...

آمریکا است که با ملت اسلام معامله وحشی‌گری و بدتر از آن می‌نماید.

آمریکا است که... آمریکا است که...

انقلاب که پیروز شد، خیلی‌ها می‌گفتند تاریخ مصرف مبارزه تمام شده؛ همان‌هایی که به جای بولدوزر، فولکس واگن بودند و هستند! ولی خمینی، روح خدا، پلن نداشت!

نمونه‌اش را که در ایران محقق کرد، سریعاً پروژه بعدی کلید خورد: «إِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»^۸ قیام مستضعفین عالم علیه مستکبرین عالم! «کنون که نمونه‌ای از پیوند مستضعفین در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرد، این نمونه باید به یک سطح وسیع‌تری، در تمام قشرهای انسان‌های تاریخ، تحقق پیدا کند به اسم حزب مستضعفین، که همان حزب الله است و موافق اراده خدای تبارک و تعالی است که مستضعفین، وارث ارض باید بشوند.»^۹ در این مبارزه جغرافیا و مرز اعتباری ندارد.^{۱۰} حتی مذهب و دین در میان نیست، مستضعفین عالم، علیه مستکبرین عالم!

او تلاش کرد به ما نشان دهد که در این متعلق، اصالت با مبارزه‌ای حادث است و فقط از سر تلچاری می‌توان دست از آن کشید، چنانچه در همان پیام صلحش گفت: «در مقطع کنونی آن [قبول قطعنامه] را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم، و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود.»^{۱۱}

حضرت امام باید معادلات قدرت را به امت خویش می‌فهماند، در عین اینکه باید از «شیطان بزرگ بودن» آمریکا حراست

می‌کرد تا «شیطان‌های اکبر» دیگران جایگزینش نشوند، گاه مجبور می‌شد مسیر مبارزات مجاهدین را هم چکش‌کاری کند. یک بار به مرحوم مقتیه بگوید راه قدس از سعدآباد می‌گذرد^{۱۲} و بار دیگر به پاسداران انقلاب بگوید راه قدس از کربلا می‌گذرد، مقصد اصل بود و معبر فرع، ولی معابر فرعی هم زیاد بودند! و در این بین باید مدام نهیب هم می‌زد که «تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع مسلمانان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود». راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل نکنند و لاقول خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است و باید چنگ و دندان ابرقدرت‌ها و خصوصاً آمریکا را شکست.^{۱۳} او می‌دانست اشک کباب موجب طغیان آتش است و عاقبت تنش‌زدایی مرسوم ختم به کجا است: «دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟! به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند.»^{۱۴} اما دشمن دیگر، در جبهه جهاد اکبر بود؛ نفس دنیاطلب! خمینی سواد مبارزه داشت، آب در هاون نمی‌کوبید! «آنها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری

و رفاه‌طلبی منافات ندارد، با اقیای مبارزه بیگانه‌اند و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند، آب در هاون می‌کوبند.»^{۱۵} بدین‌سان، او مخاطب اصلی خویش را توده‌های رنج کشیده قرار داد، اوبه جای طبقه متوسط شهری، از مردان خدا گفت: آنان که «در سیر و صورت ابدی خود



نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دل‌بستگی به دنیا را از تن به در آوردند همان‌ها که برای نجات محرومان و یتیمان خدا، راحتی راحت‌طلبان را بر خود حرام و محرم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها پند زرخیزد آمریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچ کس جز خدا نروند»^{۱۶}

خمینی فریب GDP بازار را نمی‌خورد، چون بر لقبای مبارزه تسلط داشت، او می‌دانست توسعه اقتصادی در ادبیات جریان دنیا طلب به معنای «کشک بودن مبارزه انقلابی» است و این، یعنی ساقط شدن از هستی! بر اساس همین سواد بود که در اوج بحران‌های اقتصادی ابتدای انقلاب و زمانی که خیلی‌ها نگران به خطر افتادن سرنوشت روابط تجاری ایران و آمریکا بودند، از قطع رابطه با آمریکا استقبال نمود: «دولت آمریکا ما را [تهدید] کرده بود که اگر چنانچه این اعدام‌ها ادامه پیدا بکنند، در روابط ایران با آمریکا یک قدری خطر می‌افتد ای الهی که به خطر بیفتد! ما روابط با آمریکا را می‌خواهیم چه بکنیم؟! روابط ما با آمریکا روابط یک مظلوم با یک ظالم است؛ روابط یک غارت‌شده با یک غارت‌گر است.»^{۱۷} او می‌دانست که بر اساس «فَقَاتِلُوا أُمَمَةَ الْكَافِرِ

إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّكُمْ يُشْهَدُونَ»^{۱۸} نه تنها نمی‌توان به استخبار اعتماد کرد، بلکه باید بر او هجوم آورد: «بارها اعلام نموده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم، حال اگر توکران آمریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم.»^{۱۹}

آقایان و آوازداران! خمینی تیغ افراتخته! شما در این کارزار، نه اگر تیغ، سپهر گرفته‌اید؟! اولین ناو آمریکایی را نزدیک^{۲۰} لا اقل پای آمدنش را باز نکنید! مستضعفان جهان «اگر روزی هزار بار قطعه قطعه شوند»^{۲۱} عاقبت «پرچم لا اله الا الله را بر فراز قلل رفیع کرامت و بزرگواری»^{۲۲} خواهند افراشت. یقه سفید شما که برای خصم باک‌لاسمان پرچم

تسلیم تلقی نخواهد شد؟! که فرمود: «قَوْلَ اللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا»^{۲۳} امروز، روز هدایت نسل‌های آینده است، کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است.

آری، این پیام صلح روح‌الله است!

پی‌نوشت

- (۱) امام خمینی، سید روح‌الله: «صحیفه امام» ج ۳، ص ۳۵
- (۲) همان، ج ۳، ص ۸۸
- (۳) همان، ج ۱، ص ۱۶۳
- (۴) همان، ج ۱، ص ۳۱
- (۵) سبأ، ۳۴: ۴۶
- (۶) امام خمینی، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۹
- (۷) همان، ج ۱، ص ۴۱۱
- (۸) انشراح، ۷۴: ۷۴
- (۹) امام خمینی، پیشین، ج ۸، ص ۲۸۰
- (۱۰) همان، ج ۲، ص ۸۷
- (۱۱) همان، ج ۲، ص ۹۲

- (۱۲) سبوة، امیر رضا: «یا به پای انقلاب»، تهران: پنجره، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۲۴۸
- (۱۳) امام خمینی، پیشین، ج ۳، ص ۸۳
- (۱۴) همان، ج ۳، ص ۹۰
- (۱۵) همان، ج ۲، ص ۸۶
- (۱۶) همان، ج ۳، ص ۷۵
- (۱۷) همان، ج ۷، ص ۲۵۷
- (۱۸) توحه، ۹: ۱۲
- (۱۹) امام خمینی، پیشین، ج ۳، ص ۸۱
- (۲۰) رجایی، غلامعلی: «برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۹۹
- (۲۱) امام خمینی، پیشین، ج ۳، ص ۸۳
- (۲۲) همان، ج ۳، ص ۸۸
- (۲۳) تهج‌الانفال، خطبه ۲۷: «وَالله هیچ قومی در درون خانه‌اش مورد هجوم واقع نشد، مگر این که ذلیل گشت.»

لطفا با چراغ روش ————— ن حرکت کند!

مروری مختصر بر اندیشه‌های تربیتی امام خمینی (قدس سره)

تکتم دره‌کی

اخلاقی، [در] فضایل اعمالی مجهز شوید، شما برای آئینه مملکت ما جوانان نیرومند تربیت کنید.»

این جملات از سویی حس شور و شمع و از سویی دیگر، بار سنگین مسئولیت را برای مادران به همراه دارد.

شاه‌کلید

شاه‌کلید تربیت از منظر امام — که آن را مسئله اساسی در باب تربیت می‌دانند — مسئله روح و قلب است؛ اگر قلب آدمی الهی شود، همه کردار، رفتار و نیت او نیز الهی خواهد شد به طور کلی سعادت انسان به روح یعنی قلب او بستگی دارد؛ هنگامی که نفس توجه خود را از عالم ملک و ماده گرفته و به عالم تجرد و معنویت انتقال دهد، قوی‌تر می‌گردد و این، هدف اساسی تربیت اسلامی است.

۱. با عینک امام تربیت را نگاه کنیم

اصول و قواعد ناشی از جهان‌بینی افراد است و نوع نگاه آنان به دنیا را نشان می‌دهد. برخی از اصولی که حضرت امام خمینی (ره) در امور تربیتی به آن پای‌بند بوده و در سخنان ایشان نیز به آن اشاره شده است، در ادامه بیان می‌گردد:

حقیقت این است که هیچ حرکتی از امام (ره) را نمی‌توان جدا از اسلام و آموزه‌های اسلامی تصور کرد؛ همان چیزی که خودشان آن را مکتب توحید می‌نامند.

برای مری، چیزی بهتر از این نیست که بداند از منظر امام (ره) یکی از امتیازات مکتب توحید نسبت به تمام مکاتب عالم، این است که مکاتب توحیدی، مردم را تربیت و آنها را از ظلمات خارج کرده و هدایت به جانب نور می‌کنند.

در ادامه بخشی از آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) در این رابطه را مرور می‌کنیم:

نقش اول

امام نقش زنان و مادران در تربیت را مهم‌تر از هر عامل دیگری می‌دانند. یکی از کلیدی‌ترین جملات ایشان در این رابطه، همان جایی است که می‌فرمایند: «قرآن کریم انسان‌ساز است و زنان نیز انسان‌ساز.» و «اسلام می‌خواهد شما را یک انسان کامل تربیت کند که بر دامن شما انسان‌های کامل تربیت شوند.» و نیز می‌فرمایند: «شماها در تحصیل کوشش کنید که برای فضایل

الف. خود تربیتی

مهم‌ترین مسئله همین است که مری، خود تربیت‌یافته باشد؛ آن‌گاه دیگر لازم نیست خوبی‌ها و نیکی‌ها را برای مری ترسیم کند. امام راحل می‌فرماید: «کسانی که می‌خواهند در این عالم تربیت کنند دیگران را قبلاً خودشان تزکیه شده باشند، تربیت شده باشند.»

همچنین می‌فرمایند: «ما اگر چنانچه خودمان را تربیت کنیم، مشکلاتمان همه رفع می‌شود. همه مشکلات از این است که ما تربیت نشده‌ایم. به تربیت الهی و تحت بیرق اسلام در نیامده‌ایم. به حسب واقع، همه این کشمکش‌هایی که شما ملاحظه می‌کنید، همه این‌ها برای این است که تربیت نیست.»

ب. اول تزکیه، بعد تعلیم!

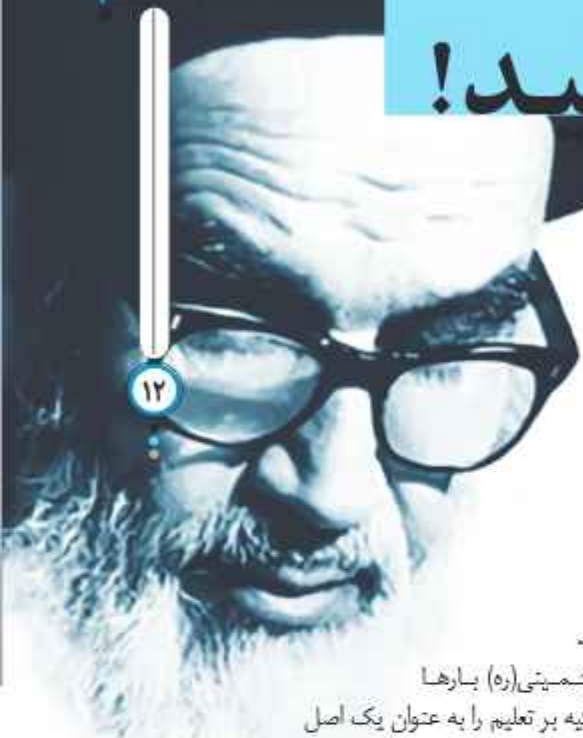
علم مفید، ارزشمند و کارآمدی که بسیار به کسب آن توصیه شده است هم می‌تواند در موقعیتی خطرناک باشد و برای بشریت دردسر درست کند؛ امام خمینی (ره) این موقعیت را جایی می‌داند که تنها تعلیم صورت گرفته و تزکیه رها شده است؛ همان جایی که تنها و تنها به شکستن مرزهای دانش اندیشیده شد و گاهی به نتایجی همچون بمب اتمی

متجر شد

امام خمینی (ره) بارها

تقدم تزکیه بر تعلیم را به عنوان یک اصل راهبردی یادآور شده است: «کوشش کنید که تربیت بشوید و تزکیه بشوید، قبل از اینکه تعلیم و تعلم باشد. کوشش کنید که هم‌دوش با درس خواندن و تعلیم، تربیت باشد، که او مقدم است به حسب رتبه بر تعلیم و بر تلاوت آیات و بر تعلیم کتاب و حکمت.»

ایشان علم بدون تزکیه و تربیت را متشأ و سرآغاز بسیاری از خطرها و انحرافات می‌داند و می‌فرماید: «مهم تربیت است، علم تنها فایده ندارد، علم تنها مضر است. گاهی این باران که رحمت الهی است وقتی به گل‌ها



می‌خورد، بوی عطر بلند می‌شود؛ وقتی که به جای کثیف می‌خورد، بوی کثافت بلند می‌شود؛ علم هم همین‌طور است که اگر در یک قلب تربیت شده علم وارد بشود، عطرش عالم را می‌گیرد و اگر در یک قلب تربیت نشده یا فاسد بپریزد، این، فاسد می‌کند عالم را»^۹

رابطهٔ تعلیم و تزکیه جایی خوب معلوم می‌شود که امام می‌فرمایند: «در نفس که مذهب نشده علم حجاب ظلماتی است»^{۱۰}

بنابراین، «تزکیه» را می‌توان به مجموعهٔ فعالیت‌هایی تعریف کرد که در فرد ملکهٔ تقوی را پدید می‌آورد تا در مقام عمل، از حدود اخلاقی و شرعی

تجاوز نکند. اگر کسی دارای چنین ملکهای باشد، توانایی حاصل از علم برای او مبارک خواهد بود؛ در غیر این صورت، مصداق «چو دزدی با چراغ آید - گزیده‌تر برد کالا» خواهد شد.

ج. کودک و نوجوان را دریابید

هرچند به فرمودهٔ امام، همهٔ جمعیت دنیا احتیاج به تعلیم و تربیت دارند^{۱۱}، اما در کلمات ایشان بر تعلیم و تربیت نوجوانان و کودکان بیش از دیگران تأکید شده است. علت آن هم آمادگی روح و قلب آنها است. امام خمینی (ره) فرموده‌اند: «هر چه سن بالا رود، امور متافی سعادت انسان زیادتر شده، قدرت کمتر می‌گردد. به سن پیری که رسیدید، دیگر مشکل است موفق به تهذیب و کسب فضیلت و تقوی شوید. نمی‌توانید

توبه کنید زیرا توبه با لفظ «توب الی الله» تحقق نمی‌یابد، بلکه ندامت و عزم بر ترک لازم است»^{۱۲} پشیمانی و عزم بر ترک گناه برای کسانی که پنجاه سال یا هفتاد سال غیبت و دروغ مرتکب شده، ریش خود را در گناه و معصیت سفید کرده‌اند حاصل نمی‌شود»^{۱۳} در مورد کودک و نوجوان، ماجرا فرق می‌کند. ایشان در ترغیب مسئولان به توجه بیشتر به نوسالان و نوجوانان می‌فرمایند: «شما اگر بتوانید این بچه‌ها را تربیت کنید به طوری که از اول خداخواه بار بیایند، توجه به خدا داشته باشند، شما اگر عبودیت الله را و پیوند با خدا را به این بچه‌ها تزریق کنید، این بچه‌ها زود قبول می‌کنند. اگر عبودیت خدا را و تربیت الهی را، و آنکه هر چه هست از او است به اینها القا کنید و آنها بپذیرند، خدمت کرده‌اید به این جامعه»^{۱۴} و در جایی دیگر فرموده‌اند: «لهمذا تربیت‌ها باید از اول باشد از همان کودکی تحت تربیت انسان قرار بگیرد و بعد هم در هر جا که هست، یک مربی‌هایی باشند که تربیت کنند انسان را تا آخر عمر هم انسان محتاج به این است که تربیت بشود»^{۱۵}

۲. امام را رصد کنید

شناخت روش‌هایی که امام در امور تربیتی از آنها استفاده کرده‌اند، جالب توجه و مفید است؛ روش‌هایی که هم در حرکات و صحبت‌های خصوصی، هم در سخنرانی‌های عمومی و هم در بیانات ایشان دیده می‌شود. برای این کار لازم است همه چیز را رصد

کنیم. در ادامه، تنها به دو روش از روش‌های ایشان اشاره می‌شود:

الف. شرایط را در نظر بگیرید

هدف نهایی تربیت، ثابت است و روش‌ها به اقتضای شرایط قابل تغییر هستند. امام (ره) نیز در اتخاذ روش‌ها بسیار بر این موضوع تأکید کرده‌اند که به ارزیابی شرایط زمان و مکان توجه شود. البته این مطلب تأییدی بر توجیه وسیله در راه رسیدن به هدف نیست، بلکه به این موضوع اشاره دارد که توجه به شرایط محیطی، فردی و... در هر مسئله تربیتی بسیار مهم است.

ب. امید و محبت موج بزنند

سیرهٔ تربیتی امام خمینی (ره) سرشار از امیدآفرینی است و بیش از آنکه از روش‌های سلبی استفاده کند، بر روش‌های ایجابی تأکید دارد. بر همین اساس است که ایشان با تفکیک افراد به دو گروه مغرض و افراد بی‌غرض، استفاده از روش‌های سلبی را دربارهٔ گروه دوم کاملاً نازوا و در مورد گروه



مکتب امام خمینی

طرح جامعه‌سازی انقلابی

توحیدی می‌گذاریم. دو. ایشان در امتداد این نگاه، یک مکتب سیاسی ارائه نمودند. مکتب سیاسی‌ای که از نظر ایشان با محوریت حکومت الله و با محوریت ولایت فقیه، در واقع کلون و قلب آن مردم‌سالاری است. مردم‌سالاری دینی! حضرت آقا می‌فرمایند: این جمهوری اسلامی که مکتب سیاسی امام ارائه می‌کند هم عمیق و هم صادقانه است. کاملاً اسلامی است. اصلاً ایشان می‌فرمایند: این تلقی درست نیست و بلکه ظالمانه است که بگوئیم حضرت امام مردم‌سالاری را مثلاً از اندیشه لیبرال دریافت کرد! سوم. امام در ساخت مکتب سیاسی هم نایستاده که یک معلم اندیشه سیاسی باشد یا یک مکتب سیاسی را صرفاً ارائه کند! بلکه جلوتر رفته و یک طرح راهبردی برای تحول جامعه ایرانی داشتند و تا این اواخر هم مشغول تکمیل آن بودند به اصطلاح

اندیشه امام خمینی و بازخوانی آن جزء مهم‌ترین نیازهای روز ماست. اندیشه‌ای که برای حرکت سعادت‌مند مبتنی بر قرآن و روایات برنامه‌ای امروزی ارائه نموده است. در ادامه گفت‌وگویی را با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا فلاج، مسئول مؤسسه فتوت و پژوهشگر اندیشه‌های امام می‌خوانیم.

راهنما: مراد از اندیشه و مکتب امام چیست؟

امام خمینی مشرف به تمامی لایه‌ها و حوزه‌های تفکر اسلامی است. ایشان معلم این تفکرات بوده و بیست و سی سال در همان افق‌ها تدریس کرده است. بالاخره ایشان از آن جاها شروع می‌شود: از افق‌های فکر فلسفی و عرفانی اسلامی تا به مباحث اخلاقی و فکری می‌رسد. این نکته درباره مکتب امام قابل توجه است. اما به‌طور خلاصه، امام از سه لایه فکری برخوردار است؛ یک. اندیشه توحیدی که نوعی کلام انقلابی است: تفسیرش از عالم، از خدای عالم، از انسان، نسبت انسان با خدا و جهان هستی، تفسیرش از زندگی، که اسمش را اندیشه

اول هم فقط در صورت ضرورت روا می‌دانند. وی همواره عملکرد مثبت مردم را مورد تشویق قرار می‌داد و از خوبی و وفاداری مردم به اسلام سخن می‌گفت و جز در برابر معاندان، تهدید به برخورد بلیبی نمی‌کرد. همین معاندان را هم وقتی «معاندان فریب خورده» می‌دانست به آنان امید می‌داد که راه برای توبه و بازگشت باز است؛ تا آنجا که در وصیت‌نامه سیاسی الهی امام هم آخرین تلاش‌ها برای هدایت فریب خورده‌گان به چشم می‌خورد. همین روش شگفت انگیز ایشان باعث شده بود در حفظ وفاداری مردم توفیق‌های بزرگی کسب کنند.

۳. کاش با شیور می‌آمد

گاه انحراف آن قدر آرام و بی صدا وارد کارها می‌شود که حضورش را اصلاً احساس نمی‌کنیم. اصلاً ویژگی انحراف همین است که بدون سر و صدا می‌آید. باید از همین انحرافات خزننده هم‌رنگ که تشخیص راه و چاه را برای ما سخت می‌کند، ترسید. تنها راه همین است که چراغ علم و آگاهی و مطالعه در مکتب توحیدی را پر نورتر کنیم. معیارها را دست بگیریم و راه را ادامه دهیم. صحیفه نور ابزار خوبی است که در این راه کمک‌های فراوانی به ما می‌کند.

بی‌تشیعانه

(۱) امام خمینی، سیدروح‌الله: «صحیفه نور» ج ۳۱ ص ۴۰۳-۴۰۴.
(۲) همان، ج ۶ ص ۳۰۰.

(۳) همان، ج ۵ ص ۱۷۷.
(۴) همان، ج ۲۲ ص ۳۱۹.
(۵) همان، ج ۹ ص ۵۳۱.
(۶) همان، ج ۱۴ ص ۳۹۱.
(۷) همان، ج ۱۴ ص ۵۰۷.
(۸) همان.
(۹) همان، ج ۱۴ ص ۴۰.
(۱۰) همو: «جهاد اکبر» ص ۲۱۳.
(۱۱) همو: «صحیفه نور» ج ۱۷ ص ۳۳۷.
(۱۲) همو: «جهاد اکبر» ص ۵۷-۶۰.
(۱۳) همو: «صحیفه نور» ج ۱۴ ص ۴۰.
(۱۴) همان، ج ۱۴ ص ۱۵۳.





حرکت‌های ایشان صددرصد اقتضایی نبود، بلکه یک نقطه‌هایی را هدف گرفته بودند و می‌خواستند خود و جامعه را به آن نقطه برسانند.

راهنما: آیا مراد از اندیشه، فقط سیاسی است یا فرهنگی و یا چیزی فراتر یعنی اندیشه تمدنی در گستره اسلام؟

افق تمدنی یعنی دغدغه سعادت بشر را در گستره تمام حیات اجتماعی بشر داشتن. در تعریف سعادت هم گستره و هم بلتا وجود دارد امثال حضرت امام، جزو معدود مکاتب فکری هستند که هیچ مرزی برای سعادت قائل نیستند؛ به تعبیری دیگر، آن‌ها ظرفیتی از انسان سراغ دارند که آن ظرفیت را موقعی که پُر شده‌اش را تصور می‌کنند، تقریباً دیگر هیچ تصویری به وادی آن تصور هم حتی راه پیدا نمی‌کند، چه رسد که اندازهایش را بخواهد به چنگ بیاورد ایشان نه تنها در گستره فردی محدود نمی‌شوند، بلکه در گستره اجتماعی هم وارد شده و در آن جا نیز به همه میدان‌ها و قلمروها ورود پیدا می‌کنند.



لذا به تعبیری اگر همین وسیع‌ترین بُرش و برداشتی که از حیات انسان می‌شود کرد و حیات اجتماعی انسان اسمش را بتوانیم تمدن بگذاریم، در واقع حضرت امام دارای نگاه تمدنی است؛ معتقد است که تمام متغیرهای حیات بشر باید توسط نگاه توحیدی و پیرایش شود. دغدغه امثال امام، بسط توحید در جاده‌های بشری و جوامع بشری است؛ و لذا در بلتا و در گستره سعادت، حضرت امام تقریباً شاگرد اول جامعه بشری است؛ البته بعد از پیامبران و بعد از نبی مکرم اسلام (ص) و هدایت اهل بیت (ع).

راهنما: شما می‌فرمایید که امام علاوه بر مکتب فکری، طرح هم داشتند؟

بله، ایشان واقعاً طرح داشتند که اسمش را طرح انقلاب می‌شود گذاشت. از موقعی که حرکت را آغاز کردند، می‌دانستند که چه کار می‌کنند؛ چه در بیانات ایشان این مسئله مشخص است و چه در حرکت‌هایی که برای پیشبرد نهضت انجام دادند مثلاً کانون انقلاب را ایران قرار داده بودند نمی‌خواستند در عراق باشد، از جهان اسلام خارج بشود این قبیل مسائل زیاد است. مثلاً هنگام تبعید از ایشان می‌پرسند: سربازان شما کجا هستند؟ پاسخ می‌دهند: سربازان من در گهواره هستند ایشان طرحی زمان دار داشتند که در صد اجرای آن بودند متأسفانه ما نه در ساخت اندیشه توحیدی و نه در ساخت مکتب سیاسی و نه در ساخت طرح انقلاب با ایشان خوب ارتباط نمی‌گیریم.



فکر کردن شده اما روشنفکر اسلامی! به هر حال ایشان شخصیتی است که سستی‌پذیر و به معنای خودمان سنت‌گراست.

راهنما: آیا اندیشه و مکتب امام قابل تحریف است؟ چه کسانی در پی تحریف مکتب امام هستند؟ اهدافشان چیست؟ از چه زمانی تهاجم به مکتب امام آغاز شد؟

مطمئناً همه چیز قابلیت تحریف دارد. تحریف گاهی لفظی و گاهی معنوی است. تحریف لفظی در مورد مکتب امام این گونه است که بعضی از سخنان ایشان را حذف کنیم و یا اینکه سخنانی به ایشان نسبت دهیم، لفظی هم که یا قسمتی از سخنان را نمی‌گویند و یا خود لفظ را گفته ولی قرینه‌هایش را حذف می‌کنند، بعضی سخنان تنها از قرینه به منظور آن می‌شود پی‌برد. در مقابل مکتب امام طاغوت (دنیاداران و دنیاخواران) قرار دارد و طاغوت همواره وقتی از جنگ رود رو وحشت داشته باشد، عقبه را هدف قرار می‌دهد و عقبه مکتب امام، اندیشه است. از زمان حضرت امام نیز به فرموده حضرت آقا این وجود داشته است. عده‌ای سخنرانی را گوش داده و سپس به نحو دیگر آن را بیان می‌نمودند. از زمان رحلت امام، گروه‌های تحریف متسجم‌تر عمل نموده و اکنون بیست و هفت سال است که این کار

راهنما: مبنای اندیشه امام چیست؟ و چرا به این نگاه رسیدند؟

در واقع امام پیرو مکتبی معرفتی بوده است. ویژگی‌های این مکتب این است که برای قرآن جایگاه محکمی قائل است و هم به عقل و هم به دل اعتنا می‌کند به تعبیری این مکتب هم شریعت‌پذیر است و هم شهود و عقل را می‌پذیرد. تقدیه امام از چنین مکتبی است. صدرا نیز همین گونه بوده است. صدرا هم به مواجید عارفان اعتنا دارد و همچنین معتقد است که فیلسوف اگر مفسر نباشد، فیلسوف نیست. جناب صدرا نگاه و مکتب جامعی دارد و امام شاگرد این مکتب است و اندیشه‌های این مکتب را بسط داده و در فلسفه اجتماعی پیاده کرده است.

راهنما: تمایز امام با سایر اندیشمندان و روشنفکران دینی در چیست؟ اساساً امام روشنفکر است؟

ابتدا باید نکته‌ای را بیان کنم و آن اینکه بین دانش و اندیشه تفاوت است، بین دانشمند و اندیشمند هم تفاوت است. اما حضرت امام برخلاف خیلی از اشخاصی که عمر خود را فقط صرف یک گروه می‌کنند، هم اندیشمند و هم دانشمند بود. روشنفکرها موقعی که دغدغه‌های اجتماعی جدی پیدا می‌کنند، معمولاً به ترقی و تعالی اجتماعی می‌اندیشند. از این جهت هم امام واقعاً روشنفکر است؛ زیرا تمام عمرشان صرف

تجارت-اندیشه با سرمایه معنوی

مکتب امام خمینی (ره) در اندیشه مقام معظم رهبری

علی نرغیاری

یعنی ما باید با استفاده صحیح از سرمایه در کالاهای معنوی هم، برای به دست آوردن سود بیشتر تلاش کنیم، و مراقب باشیم که دچار زیان و خسران نشویم.

سرمایه‌های معنوی مانند عمر، جوانی، قدرت فکر کردن و مواردی شبیه به این‌ها هم، در حکم کالاهای تجاری هستند که باید از آن‌ها برای به دست آوردن سود بیشتر استفاده کرد.

بعضی از کالاهای معنوی نسبت به برخی دیگر از اهمیت بیشتری برخوردارند مثلاً دین، یک کالای معنوی است که عمل به دستورات آن برای ما سودآور است یا نعمت برخورداری جامعه از دانشمندان و متفکران صاحب اندیشه و اثرگذار، یک کالای معنوی است، چراکه هر جامعه‌ای این ظرفیت‌ها را در اختیار ندارد مثلاً جامعه‌ای از نعمت دین بی‌بهره است و یا جامعه‌ای دیگر از نعمت متفکران صاحب اندیشه محروم است، و بعضی جوامع هم از هر دو نعمت بی‌نصیبند.

توجه به این نعمت‌های معنوی، در واقع توجه به

یکی از شغل‌های پرطرفدار در تمام دنیا، تجارت است. بیشتر افراد فکر می‌کنند، تاجرها افرادی هستند که یک شیء راه صدساله رفته‌اند و بدون هیچ سختی و زحمتی، کلی پول به دست آورده و سود کرده‌اند. ولی این گونه نیست؛ تجارت علاوه بر آنکه درآمد خوبی دارد، پرزحمت و پرخطر هم هست. تاجر باید بداند که از سرمایه اولیه خود چگونه می‌تواند بهتر استفاده کند تا سود بیشتری ببرد. پیش‌بینی حوادث، دانستن شرایط پیش روی کشور، نیازهای آینده مردم و بسیاری از مؤلفه‌های دیگر، در تصمیم تاجر برای خرید یک کالای متناسب با سرمایه او و سودآور، بسیار مؤثر است.

اگر تاجری به این مؤلفه‌ها توجه نکند، ممکن است در تجارتش دچار زیان شده و سود نبرد، و یا اینکه علاوه بر اینکه سود نمی‌برد، سرمایه‌اش را هم از دست بدهد و دچار خسران شود.

این قاعده تجارت فقط در تجارت کالاهای مادی، جاری نمی‌شود؛

می‌بینیم که حتی بوی انقلابی‌گری به او نرسیده، چه رسد به مکتب و اندیشه‌های امام. با این حال اگر بخواهیم بزرگترین مفسر مکتب امام را معرفی نماییم، جز رهبر معظم انقلاب کسی را نمی‌بینیم که هم افق فکری ایشان و هم افق روحی حضرت امام را داشته باشد به لحاظ رفتاری نیز به تعبیری می‌توان گفت همیشه پشت مائیتور انقلاب بوده است.

رهانما: میراث‌داران اندیشه و تفکر امام چه کسانی هستند؟

نخبگان انقلابی، میراث‌داران واقعی هستند و تفاوتی بین ایرانی و غیر ایرانی بودن آن‌ها نیست، حتی بعضی لایه‌های فکری حضرت امام را غیر مسلمانان بهتر متوجه می‌شدند.

رهانما: چگونه می‌توان مکتب امام را حفظ کرد؟

حضرت آقا در این مورد فرموده‌اند که مکتب امام را می‌توان با بازخوانی مکتب حفظ نمود. اگر مرتب این مکتب خوانده شود، در ذهن انسان ملکه می‌گردد و باعث می‌شود هم به آن عمل شود و هم آن را جریان‌سازی کرد. این روند را می‌توان در گروه‌های مطالعاتی به عنوان موضوع مطالعه قرار داد و بعد از مطالعه بحث نمود.



را انجام می‌دهند.

رهانما: این انحراف را چگونه می‌توان شناسایی کرد؟

با مطالعه دقیق اندیشه امام به خصوص وصیت‌نامه حضرت امام و بازخوانی آن انحراف از امام را می‌توان شناسایی کرد.

رهانما: منبع و متن دریافت اندیشه امام چیست؟

به فرموده حضرت آقا، منبع اصلی دریافت اندیشه امام وصیت‌نامه ایشان است و غیر از آن پیام‌های حضرت امام، خلاصه‌های صحیفه و خاطرات ایشان منابع خوبی است. غیر از این، باید از بیاناتی که مقام معظم رهبری راجع به امام دارند به‌خصوص بیانات ۱۴ خرداد ایشان استفاده نمود. از این جهت که ایشان این فرصت را برای تبیین مکتب امام استفاده می‌کنند.

رهانما: مفسر امام کیست؟

مفسر امام کسی است که در افق فکری، روحی و حتی رفتاری حضرت امام باشد. گاهی پدر یک شهید را می‌بینیم که اصل اندیشه‌های امام را مطرح می‌کند و جان‌مایه خواسته‌های امام در دست اوست و با آن حتی زندگی کرده است. گاهی دیگر نخبه‌ای را



تجارت فکری و معنوی جامعه است. در این تجارت فکری هم می‌توان سود بُرد و به‌وسیله آن در جهان پیشرفت کرد و هم می‌توان دچار خسران شد و از حرکت به سمت قلم‌های سعادت، عقب ماند.

امام خمینی (ره) به عنوان یک فقیه، دانشمند، متفکر دینی و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، یکی از همین سرمایه‌های معنوی، جامعه ما است.

در دوران پس از غیبت کبری، عالمان و اندیشوران بزرگ در جهان اسلام، برای یاری دین خدا کم نبودند، اما کسی که توانست با استفاده از ظرفیت مبانی دینی، انقلاب اسلامی ایران را پایه‌گذاری کند، ایشان بود. تفکرات و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، مانند

سرمایه‌های معنوی برای تجارت معنوی ما، ارزشمند هستند و موجب حرکت به سمت پیشرفت کشور و پیشبرد اهداف دین خدا می‌شود.

این پیشرفت و پیشبرد اهداف دین خدا، همان سودهای سرشاری هستند که می‌توان با استفاده صحیح از این سرمایه معنوی به‌دست آورد. البته بی‌توجهی به این سرمایه نیز ما را از نصرت دین خدا و پیشرفت کشورمان بازداشت. و موجب سیلی خوردن اسلام و انقلاب می‌شود.

سرمایه معنوی امام خمینی (ره) و اندیشه‌هایش را می‌توان از رفتار، گفتار، مواضع و تصمیم‌های به موقع او شناخت. مجموع این موارد، تشکیل دهنده شاکله اصلی و منظومه فکری ایشان است، که به طور مکرر و در موقعیت‌های مختلف زمانی، بیان و یا اعلان شده است.

ما اگر می‌خواهیم کشورمان پیشرفت کند و ندای حق اسلام بر بلندای جهان طنین‌انداز شود، باید این سرمایه معنوی را شاخص و معیار مسیر حرکت‌مان قرار دهیم. اگر این‌گونه شد، مسیر انقلاب و هویت اسلامی تغییر پیدا نخواهد کرد.

اکنون برای آشنایی بیشتر با اندیشه‌های این سرمایه معنوی انقلاب اسلامی، به عنوان شاخص حرکت و معیار سنجش صراط مستقیم انقلاب، به برخی از اصول مهم و محوری این اندیشه‌ها اشاره می‌شود:

۱. اصلی‌ترین نقطه در منظومه فکری امام،

اثبات «اسلام ناب محمدی» است؛ یعنی اسلامی که ظلم‌ستیز، عدالت‌خواه، ترویج‌گر روحیه جهاد، طرفدار محرومان و مدافع حقوق پابرهنگان، رنج‌دیدگان و مستضعفان است. در مقابل این اسلام، «اسلام آمریکایی» قرار دارد؛ یعنی اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، زیاده‌خواهی، دست‌اندازی به حقوق مظلومان و اسلام کمک‌به‌زورگویان و طرفداران ثروت و تشریفات. اسلام آمریکایی در نگاه امام دو شعبه دارد: اسلام متحجرین و اسلام سکولارها؛ یعنی هم کسانی که نگاه متعصبانه و غلط به دین دارند و هم کسانی که رفتارهای اجتماعی انسان‌ها را جدای از اسلام می‌خواهند. این دو گروه در زمره اسلام آمریکایی و در مقابل اسلام ناب محمدی قرار دارند.

۲. دومین اصل مهم در نگاه امام، اِتْکال به کمک الهی و اعتماد به صدق وعده‌های خداوند است. آیه شریفه: «لَنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» اگر خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری خواهد کرد، یکی از ارکان اصلی تفکر امام بود. در مقابل، امام نسبت به وعده‌ها و سخنان قدرت‌های مستکبر و زورگوی جهانی، کاملاً بی‌اعتماد بود.

۳. اصل مهم دیگر در منظومه فکری امام، اعتقاد و اعتماد به اراده و نیروی مردم در مسائل مختلف اقتصادی، نظامی، سیاسی، سازندگی و سایر مسائل جاری کشور است. امام خودش را خادم ملت می‌دانست و همیشه به مسئولان تأکید می‌کرد که مردم «ولی

نعمتان» ما هستید. این تعبیر نشان‌دهنده جایگاه برجسته مردم، افکار، آراء و حضور آن‌ها، در نظر امام است.

۴. حمایت از محرومان و مستضعفان، یکی از پرتکرارترین مطالبی است که امام خمینی (ره) در بیاناتش بر روی آن تأکید داشته‌اند. حرکت به سمت برقراری عدالت اجتماعی و دوری از خوی کاغذنشینی و اشرافی‌گری یکی از مطالبات مهم امام از مسئولان کشور بود.

۵. دفاع از مظلومان جهان و مقابله با قلدران و مستکبران جهان، یکی از اصول روشن و خدشه‌ناپذیر امام در سیاست خارجی بود. امام، همیشه از ملت مظلوم فلسطین، افغانستان و تمامی ملت‌های مظلوم، دفاع می‌کرد و در مقابل آمریکا را «شیطان بزرگ» و اسرائیل را غاصب می‌دانست. طرفداری از مظلوم و مواجهه محکم با ظالم، یکی از اصول روشن، اندیشه امام بود.

۶. استقلال کشور، که به معنای آزادی در مقیاس یک ملت است، همواره مورد تأکید امام بود. مطابق اندیشه امام، نمی‌شود کسی آزادی‌های فردی را قبول داشته

مراقب باشیم «سیلی» نخوریم

بازخوانی فرهنگی مکتب امام خمینی (ره)

سید محسن بحرینی

این تحریفات به حدی داغ شده که بنگاه خبرپرستی انگلستان (BBC) نیز اخیراً مدعی برقراری ارتباط امام خمینی با آمریکا شد. سؤالی که در این آشفته‌بازار باید به آن پاسخ دهیم، این است که چطور می‌توان به حقیقت اندیشه‌ها و مکتب امام دست یافت؟ امام خمینی در وصیت‌نامه خود ضمن پیش‌بینی این امر می‌فرماید: «کنون که من حاضرم بعض نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود. لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود، مورد تصدیق نیست مگر آنکه صدای من یا خط و امضای من باشد با تصدیق کارشناسان یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.» رهبر انقلاب نیز در این خصوص می‌فرماید: «آن راهی که می‌تواند مانع از این تحریف بشود بازخوانی اصول امام است. امام یک اصولی دارد، یک مبانی‌ای دارد؛ این مبانی در طول ده سال دوران حاکمیت اسلامی و پیش از آن در طول پانزده سال

آیا شخصیت‌ها را هم می‌شود تحریف کرد؟ بله؛ تحریف شخصیت‌ها به این است که ارکان اصلی شخصیت آن انسان بزرگ یا مجهول بماند، یا غلط معنا شود، یا به صورت انحرافی و سطحی معنا شود.»^۱ این، هشدار رهبر معظم انقلاب در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) بود. ایشان در ادامه، در خصوص لزوم شناخت شخصیت و راه امام راحل می‌فرمایند: «گر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد.»^۲ در این نوشتار قصد داریم به بازخوانی برخی ابعاد فرهنگی اندیشه بتیان‌گذار انقلاب اسلامی بپردازیم.

وقتی BBC هم وارد صحنه می‌شود

در سال‌های پس از رحلت امام خمینی (ره)، با خوانش‌های متعدد و گاه متضاد از شخصیت امام راحل مواجه می‌شویم که در قالب تحلیل، خاطره یا نقل قول سعی در بازنمایی تفکرات ایشان و گاه تحریف آنها دارند. بازار



از اهدافی که دشمنان این مرز و بوم پس از موج بیداری اسلامی، به خصوص در فتنه ۸۸ به آن حمله‌ور شدند، شخصیت روح‌الله موسوی خمینی بوده است. ایشان نه از این جهت که رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند، بلکه به علت روح خروشان که در نسل‌های بعد از خود دمیدند، مورد هجوم و ترور دشمنان واقع شدند. پس اکنون که دشمنانی چون آمریکا بر تن خود لباس فریب پوشیده و خود را دوست مردم ایران معرفی می‌کنند، شناخت شخصیت، راه و هدف امام برای جوانان کنونی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. یکی از راه‌های شناخت این شخصیت بزرگ، خواندن کتاب صحیفه امام است. لیکن خواندن کتابی بیست و دو جلدی، با آن حجم و قطر، از جوانان امروزی که خواستار سرعت بیشتر و راه کوتاه‌تر برای رسیدن به هدف خویش هستند، بعید است. از این رو بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، گلچین و گزیده‌ای از صحیفه امام را - نه خلاصه آن - منتشر نموده تا همه بتوانند با شخصیت این مرد بزرگ آشنا شوند.

از خصوصیت این مجموعه بیست و یک جلدی، این است که برای حفظ اصالت داری، به همان شیوه صحیفه امام، بر سه قسمت مکتوبات، بیانات و عزل و نصب‌ها تقسیم شده است.

باشد و برای آن تلاش کند، ولی از آزادی یک ملت، در برابر تهدیدها، تحریم‌ها و فشارهای دشمنان دفاع نکند استقلال کشور در نگاه امام به معنای انزوای طلبی نیست، بلکه به معنای خودکفایی و استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی، برای رد سلطه‌پذیری دشمنان است.

۷. امام خمینی (ره) بر اساس نگاه تمدن‌ساز و امت‌ساز خود، تأکید کم نظیری بر وحدت میان مردم کشور و مسلمانان جهان، داشت. ایشان فتنه‌انگیزی‌های دشمنان برای ایجاد تفرقه بین اقوام ایرانی و نیز دامن زدن به اختلاف بین مذاهب مختلف مسلمانان را سیاست قطعی استکبار می‌دانست و همیشه توصیه می‌کرد که افراد با حفظ وحدت، تلاش کنند تا این سیاست خنثی شود.

این ۷ محور، خلاصه‌ای از مهم‌ترین اصول منظومه فکری امام خمینی (ره) بود، اما مجموعه کاملی از این اصول و معیارها را می‌توان با مطالعه و دقت در وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره) مطالعه کرد.



دوران نهضت، در بیانات گوناگون بیان شده است؛ اصول امام را در این بیانات می‌شود پیدا کرد؛ این اصول را، این خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل خواهد شد؛ شخصیت امام این است.»^۶

انحراف فریبنده

حال که لزوم جلوگیری از این انحراف روشن شد، ابتدا باید به جایگاه فرهنگ و اهمیت آن در اندیشه امام راحل بپردازیم؛ امام خمینی (ره) در خصوص اهمیت فرهنگ می‌فرماید: «رباره فرهنگ هر چه گفته شود، کم است، می‌دانید و می‌دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک رژیم پیدا شود و همه ارگان‌ها و مقامات آن رژیم در صراط مستقیم انسانی و الهی پایتد باشند و بر استقلال و آزادی ملت از قیود شیطان عقیده داشته باشند و آن را تعقیب کنند و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن پایتد باشند، دیری نخواهد کشید که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند و همه را خواهی نخواهی به انحراف کشاند و نسل آتیه را آن چنان کند که انحراف به صورت زیبا و مستقیم را راه نجات بداند و اسلام انحرافی را به جای اسلام حقیقی بپذیرد.»^۷

تأکید بر اسلام ناب محمدی

رهبر معظم انقلاب در خصوص مکتب امام می‌فرماید: «اولین مطلبی که در [مکتب] امام وجود دارد اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی است، امام، اسلام ناب را

در مقابل اسلام آمریکایی قرار داد.»^۸ یکی از بارزترین عرصه‌های این رویارویی، فرهنگ بود. بنیان‌گذار انقلاب در این خصوص می‌فرماید: «فرهنگ مسموم استعمار، تا اعماق قصبات و دهات ممالک اسلامی رخنه کرده و فرهنگ قرآن را عقب زده و نپاوه‌گان ما را فوج فوج در خدمت بیگانگان و مستعمرین در می‌آورد و هر روز با نغمه تازه با اسامی فریبنده، جوانان ما را منحرف می‌کند.» ایشان در خصوص علاج این درد می‌گویند: «اگر ما موفق بشویم به اینکه فرهنگمان یک فرهنگ اسلامی بشود، مدارسمان یک مدارس اسلامی بشود آن وقت افرادی که از آن تحقق پیدا می‌کند و افرادی که تربیت می‌شود در آن فرهنگ و در آن مدارس، انسان هستند.»^۹

وابستگی فکری و غرب‌زدگی ممنوع!

طبق نظر امام خمینی (ره) وابستگی فکری و غرب‌زدگی، یکی از مهم‌ترین مشکلات فرهنگ جامعه است، ایشان در دیدار با جمعی از دبیران در این خصوص می‌فرمایند: «هادامی که پیوستگی مغزی داریم به خارج و اجانب، هیچ‌یک از این گرفتاری‌هایی که شمردید، نمی‌توانیم از زیرش فرار کنیم.» ایشان وابستگی فکری را ریشه تمام وابستگی‌ها دانسته، می‌گویند: «همان‌طور که کراراً تذکر داده‌ام، بزرگ‌ترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابر قدرت‌ها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است، که شاید

سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد.»^{۱۰} امام در یکی دیگر از سخنرانی‌های خود ضمن اشاره به برنامه دشمن در این زمینه می‌فرماید: «آنها می‌خواهند ما وابسته باشیم و چیزهایی که به ما می‌دهند، چیزهایی است که وابستگی می‌آورد، استقلال نمی‌خواهند داشته باشیم، استقلال فرهنگی نمی‌خواهند داشته باشیم، استقلال فکری نمی‌خواهند داشته باشیم، عمالی که آنها تربیت کرده‌اند در بین خودشان و صادر کردند برای ما، آنها هم کمک کرده‌اند به آنها، طرز فکر جامعه ما را به نحوی عوض کردند که اگر یک مطلبی غربی نباشد، جامعه ما نمی‌پذیرد این را!»^{۱۱} رهبر انقلاب نیز در این خصوص می‌فرماید: «یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکر امام، مسئله استقلال کشور، ردّ سلطه‌پذیری [است].»^{۱۲}

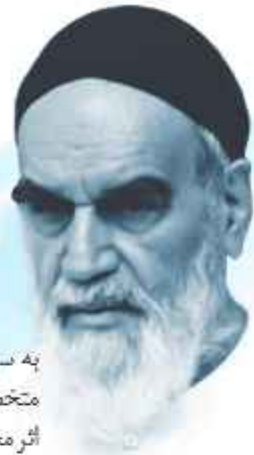
ما می‌توانیم

یکی دیگر از شاخص‌های فرهنگی در مکتب امام که رابطه تنگاتنگی با شاخص قبلی دارد و مکمل آن است، باور به گزاره ما می‌توانیم و تزریق روح اعتماد به نفس در مردم است. در حقیقت شاخص اول، نفی غیر و شاخص دوم، باور به خود است. رهبر انقلاب در بیست و دومین سالگرد امام راحل، ضمن برشمردن سه بعد معنویت و عقاشرت و عدالت در مکتب امام، ذیل بعد عقاشرت اشاره می‌کنند: «یک مظهر دیگر عقاشرت امام، تزریق روح اعتماد به نفس و خودتکایی

در ملت بود. در طول سال‌های متمادی، از آغاز تسلط و ورود غربی‌ها در این کشور -یعنی از اول قرن ۱۹ میلادی که پای غربی‌ها به ایران باز شد- دائماً به وسیله عوامل و دستیاران خودشان، با تحلیل‌های گوناگون، توی سر ملت ایران می‌زدند؛ ملت ایران را تحقیر می‌کردند به ملت ایران می‌یاوراندند که نمی‌تواند عرضه اقدام علمی و پیشرفت علمی ندارد، توانایی کار کردن و روی پای خود ایستادن را ندارد، سردمداران رژیم پهلوی و قبل از او، مکرر ملت ایران را تحقیر می‌کردند.»^{۱۳} امام راحل خود در این زمینه می‌فرماید: «اینجانب نمی‌گویم ما خود همه چیز داریم؛ معلوم است ما را در طول تاریخ نه چندان دور خصوصاً،

و در سده‌های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده‌اند، من وصیت دلسوزانه و خالصانه می‌کنم به ملت عزیز که اکنون

که تا حدود بسیار چشم‌گیری از بسیاری از این دام‌ها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار، برخاسته و دیدیم که بسیاری از کارخانه‌ها و وسایل پیشرفته مثل هواپیماها و دیگر چیزها که گمان نمی‌رفت متخصصین ایران قادر به راه انداختن کارخانه‌ها و امثال آن باشند و همه دست‌ها را



به سوی غرب یا شرق دراز کرده بودیم که متخصصین آنان این‌ها را به راه انباشند در اثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی، خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و با قیمت‌های ارزان‌تر عرضه کرده و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم می‌توانیم»^{۱۲}

در ادامه به بازخوانی برخی دیگر از شاخص‌ها در کلام رهبر معظم انقلاب و سپس متن وصیت‌نامه سیاسی-الهی بنیان‌گذار کبیر انقلاب می‌پردازیم:

باور به کمک الهی

«امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمی‌گرفت؛ اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود؛ به کمک الهی باور داشت؛ امید او به خدای متعال، امید پایان‌ناپذیری بود»^{۱۳}

انجام تکلیف با ما، نتیجه با خدا

«مظهر معنویت در امام بزرگوار، در درجه اول، اخلاص خود او بود. امام کار را برای خدا انجام داد. از اول، هر چه که احساس می‌کرد تکلیف الهی اوست. آن را انجام می‌داد از فناکاری در این راه، امام آبا نکرد. از شروع

مبارزات در سال ۱۳۴۱، امام این‌جور عمل کرد؛ با تکلیف پیش رفت. به مردم و مسئولین هم این درس را بارها گفت و تکرار کرد که آنچه مهم است، تکلیف است. ما تکلیف را انجام می‌دهیم، ترتیب نتیجه بر کار ما دست خدا است»^{۱۴}

روحیه انتقادپذیری

«خودمان را بالاتر از انتقاد ندانیم، بی‌عیب ندانیم، همه مسئولین طراز اول کشور این را از امام شنیده بودند که بایستی آماده باشیم؛ اگر چنانچه از ما عیب گرفتند، نگوئیم ما بالاتر از اینیم که عیب داشته باشیم، بالاتر از اینیم که به ما انتقادی وارد باشد. خود امام هم همین‌جور بود. ایشان، هم در نوشته‌های خود به خصوص در اواخر عمر شریفش - هم در اظهارات خود، بارها گفت من در فلان قضیه اشتباه کردم، اقرار کرد به این که در فلان قضیه خطا کرده است؛ این خیلی عظمت لازم دارد»^{۱۵}

اشرافی‌گری ممنوع

«به مسئولین اصرار داشتند که از اشرافی‌گری پرهیز کنند. این، یکی از توصیه‌های مهم امام بزرگوار بود. ما نباید اینها را فراموش کنیم. آفت مسئولیت در یک نظامی که متکی به آرای مردم و متکی به ایمان مردم است، این است که مسئولین به

فکر رفاه شخصی بیفتند؛ به فکر جمع‌آوری برای خودشان بیفتند؛ در هوس زندگی اشرافی‌گری، به این در و آن در بزنند؛ این آفت بسیار بزرگی است»^{۱۶}

پرهیز از فرهنگ مصرفی

«غم‌انگیزتر اینکه آنان ملت‌های ستمدیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهایی مصرفی بار آوردند»^{۱۷}

عدم تقلید کورکورانه از شرق و غرب

«این پوچی و تهی‌مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم»^{۱۸}

مأیوس نشدن از خود؛ اتکایی در مقابل تمسخر و تشنگران

«از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر داشتیم، نویسندگان و گویندگان غرب و شرق زده بی‌فرهنگ، آنها را به یاد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مأیوس نموده و می‌نمایند و رسوم و آداب اجنبی را هر چند مبتذل و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و با مداحی و تشجویب آنها را به خورد ملت‌ها داده و می‌دهند»^{۱۹}

حفظ روح تعاون و همکاری

«اگر شما در خدمت او [خداوند متعال] باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی

به روح تعاون ادامه دهید، تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است، کشور عزیز از آسیب دهر این شاء الله تعالی مصون است»^{۲۰}

پی‌نوشت:

• در این نوشتار از مقاله جناب آقای سیدحسین حیدری با عنوان: «آیا امام خمینی قابل تحریف است؟ چگونه امام خمینی از بُعد فرهنگی قابل تحریف است؟» استفاده شده است.

(۱) مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۲/۱۴.

(۲) همان.

(۳) وصیت‌نامه الهی-سیاسی امام خمینی (ره).

(۴) مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۲/۱۴.

(۵) امام خمینی، سیدروح‌الله: «صحیفه امام»، ج ۱۷، ص ۳۳۲.

(۶) مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۲/۱۴.

(۷) امام خمینی، پیشین، ج ۲، ص ۳۳۲.

(۸) همان، ج ۸، ص ۱۰۵.

(۹) همان، ج ۱۰، ص ۳۵۶.

(۱۰) همان، ص ۷۸.

(۱۱) همان، ج ۱۲، ص ۴.

(۱۲) مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۲/۱۴.

(۱۳) همان.

(۱۴) وصیت‌نامه الهی-سیاسی امام خمینی (ره).

(۱۵) مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۲/۱۴.

(۱۶) همان.

(۱۷) همان.

(۱۸) همان.

(۱۹) وصیت‌نامه الهی-سیاسی امام خمینی (ره).

(۲۰) همان.

(۲۱) همان.

(۲۲) همان.

درآمدی بر انسان‌شناسی انقلاب اسلامی

«انسان انقلابی» و ویژگی‌های آن از منظر امام خمینی (ره)

مجتبی نامخواه*

چه امروزه در اثر کثرت کاربرد واژه‌ای عمومی تلقی می‌شود، اما در منظومه فکری امام خمینی، به معنا و انسان خاصی راجع است که پس از رخداد یک «انقلاب انسانی» تولد یافته و منشأ شکل‌گیری دوره اجتماعی متمایزی بوده است.

نقطه عزیمت ویژگی‌های «انسان انقلابی» از دیدگاه امام خمینی، در بررسی تحلیلی است که امام خمینی در روزهای اوج‌گیری مبارزات انقلاب اسلامی و پس از آن، از این انسان ارائه می‌دهد. بازخوانی این تحلیل را می‌توان به عنوان درآمدی بر انسان‌شناسی انسان انقلاب اسلامی و پرورش و بازتولید انسان انقلابی در شرایط کنونی در نظر گرفت.

از منظری که امام خمینی به تحلیل انقلاب می‌گشاید، «انقلاب اسلامی» محصول کنش جمعی «انسان انقلابی» است که پس از مرحله «انقلاب انسانی» به وجود می‌آید. این انقلاب انسانی یا تحول درونی، به مثابه یک تغییر فراگیر و بنیادین، منشأ پیدایش مؤلفه‌هایی در انسان پس‌انقلاب انسانی یا «انسان انقلابی» است. تغییر و مؤلفه‌هایی که از دو منظر قابل ملاحظه و مطالعه است از منظر «تحول از» و از

پیش از «انسان انقلابی» و ویژگی‌های آن از دیدگاه امام خمینی، گفت‌وگو پیرامون یکی از محوری‌ترین مفاهیم اندیشه اجتماعی ایشان است. امام خمینی تغییر و تحول اجتماعی، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و پدیده‌های وابسته به آن، مانند نهادهای انقلاب اسلامی را بر اساس مفهومی که در تعریف انسان انقلابی می‌پروراند، توضیح می‌دهند:

«جوانان ایران و زنان و مردان که در زمان طاعوت یا تربیت طاغوتی بار آمده بودند هرگز نتوانستند با قدرت طاغوتی مقابله کنند؛ ولی آن‌گاه که به دست توانای حق -جل و علا- به انسان انقلابی دور از علایق شیطانی متحول شدند، آن قدرت عظیم را سرکوب کردند»^۱

این مفهوم و مفاهیم نظیر با آن، مانند حزب‌الله^۲، اگر

منظر «تحول به»، مراد از تحول از، مبدأ و وضعیت پیش از تحول انسان انقلابی است. این یادآوری عمدتاً به منظور افزودن خودآگاهی انسان انقلاب به داشته‌های وضعیت جدید او انجام می‌شود و در پاسخ به چستی مختصات انسان انقلابی، تصویری سبلی در پاسخ به این پرسش فراهم می‌آورد که «مختصات انسان انقلابی چه نیست؟». در بخش تحول به، اما مقصود بازتاسیدن خود انقلابی جامعه ایرانی به او است. امام خمینی در میانه انقلاب و پس از آن، به صورت مداوم دعوت به بازگشت به خود می‌کند. در بخش تحول به ما با مؤلفه‌های این «خود» آشنا می‌شویم. نکته دیگر آنکه تبیین امام از این مؤلفه، تنها جنبه‌ای هنجاری، اخلاقی و توصیه‌ای ندارد؛ بلکه بر بستری از توصیف یک رویداد مهم اجتماعی صورت می‌پذیرد.

نگاره شماره یک: «تحول از» وضعیت پیش از انقلاب انسانی

یکی از مهم‌ترین مباحث در تبیین این انقلاب انسانی و انسان‌شناسی انقلاب اسلامی، مشخصات انسان ماقبل این تحول و مؤلفه‌های انسان انقلابی یا انسان ما بعد تحول است. «غریزه بودن» از مهم‌ترین مشخصات انسان ما قبل انقلاب انسانی است. از این روی، امام تأثیر مهم انقلاب انسانی را در سطح اجتماعی قطع امید غرب قبله‌گان می‌داند؛ چرا که یکی از مهم‌ترین ابعاد تحول از در انقلاب دورنی، تحول از انسان غریبی است.^۳ امام خمینی در تشریح همین بعد از انقلاب انسانی، به چرایی تحریک‌های انقلابی در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی می‌پردازد و این انقلاب درونی را منشأ و دینامیسم این تحریک‌ها قلمداد می‌کند.^۴ سطح دیگر این استدلال، این است که

انقلاب انسانی و انسان انقلابی برآمده از آن، نه فقط نیروی مورد نیاز برای تغییر انقلابی را تدارک می‌کند، بلکه دینامیسم اجتماعی برای «کار» و بازسازی رانیز تأمین می‌کند.^۵

یکی دیگر از مهم‌ترین ابعاد تحول و انقلاب انسانی، تحولی است که امام خمینی از آن به تحول از «حالت طبیعی» به «حالت الهی» یاد می‌کند.^۶ بر اساس این نگاه انسان‌ها در وضعیت اولیه -حیثیتی بر ودیعه‌های الهی در وضعیت الهی- قرار دارند که در اثر برخی علل و اسباب، به وضعیت ثانوی دچار می‌شوند.^۷ انقلاب انسانی، بازگشت به آن وضعیت الهی است. در اثر این انتقال به وضعیت الهی، موضوعاتی از





۳۲

کتاب «شرح چهل حدیث» امام خمینی، از سودمندترین آثار اخلاقی ایشان است که از دیرباز نظر اهل معنا و سالکان راه تهذیب نفس را به خود جلب نموده است. این کتاب دارای استنادات فراوان به آیات قرآن، روایات و همچنین نثر سنگینی است که به همین دلیل - همگان نمی‌توانند از محتوای غنی آن لذت ببرند. آقای جواد محدثی برای حل این مشکل، دست به قلم برده و کتاب چهل حدیث را به نثری روان و امروزی تبدیل نموده است. همچنین با حفظ امانت‌داری، آن را خلاصه و همت خویش را صرف حفظ تعبیرات حضرت امام نموده است تا این اثر غنی را برای بهره‌وری عموم اهل مطالعه، آسان سازد.



(۱) برای مطالعه بیشتر، کد مقاله «تقریب انقلاب امام خمینی» فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۵

(۲) امام خمینی، سید روح الله: «صحیفه امام»، ج ۱۷، ص ۴۷۱.

(۳) همان، ج ۱۶، ص ۳۱۴.

(۴) همان، ج ۶، صص ۳۲۹-۳۳۲، ج ۱۴، ص ۳۱۷، ج ۱۵، ص ۳۱۰.

(۵) همان، ج ۱۷، ص ۱۵۸.

(۶) همان، ج ۸، ص ۱۸۰، تیزن: کد همان، ج ۸، ص ۱۹۲ و ۱۹۷ و ۴۰۸، ج ۱۱، ص ۵۳۴.

(۷) همان، ج ۱۶، ص ۱۲۰.

(۸) امام خمینی در این زمینه، تقریبی را «حول دو مفهوم «فطرت مجبوره» و «فطرت محجوبه» می‌پروراند. برای توضیح بیشتر، کد کتاب «شرح حدیث جنود عقل و جهل» از ایشان:

(۹) پیشین، ج ۱۷، ص ۱۱۸.

(۱۰) همان، ج ۷، ص ۳۹۹.

(۱۱) همان، ج ۶، ص ۳۴۷.

(۱۲) همان، ج ۸، ص ۴۲۵ و ۴۲۶، ج ۸، ص ۱۱۹.

(۱۳) همان، ج ۱۷، ص ۳۱۱.

(۱۴) همان، ج ۶، ص ۳۲۹.

(۱۵) همان، ج ۶، ص ۳۴۷، ج ۸، ص ۴۲۵ و ۴۲۶.

(۱۶) همان، ج ۷، ص ۶۰.

(۱۷) همان، ج ۷، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

(۱۸) همان، ج ۶، ص ۳۴۷، ج ۸، ص ۱۷۷ و ۱۹۷، ج ۱۶، ص ۳۱۴.

(۱۹) همان، ج ۷، ص ۴۷.

(۲۰) همان، ج ۴، ص ۲۶۰.

(۲۱) همان، ج ۱۰، ص ۳۷۵، ج ۱۲، ص ۹۱.

(۲۲) همان، ج ۱۲، ص ۳۴۷.

(۲۳) همان، ج ۱۷، ص ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۳۰۴.

(۲۴) همان، ج ۶، صص ۴۹۰-۴۹۲، تیزن: کد ج ۷، ص ۲۶۵ و ۳۶۶، ج ۸، ص ۲۲۵ و ۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۸۸.

(۲۵) همان، ج ۱۶، ص ۳۱۴.

انسان انقلابی تشریح می‌کند.^۱ یکی دیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌های انسان انقلابی، اراده معطوف به تعاون او است. در پرتو همین ویژگی است که امام خمینی پیدایش نهادهای انقلاب اسلامی را به مثابه پدیده‌هایی بی‌نظیر تبیین می‌کند.^۲ ایشان همچنین کاهش خصوصیت‌های اجتماعی و افزایش همبستگی اجتماعی^۳، گسترش «روحیه جمعی»^۴ و بسط «محبت‌ورزی»^۵، شکوفایی انسانیت و امر انسانی^۶ و توجه به مسایل بنیادین زندگی اجتماعی^۷، احیای روح اعتراض^۸ و عصیان‌گری^۹ و دشمن‌شناسی^{۱۰} را به مثابه دیگر نتایج انقلاب انسانی و ویژگی‌های انسانی دانسته است که در یک عهد و وضع و پیوندی جدید با قرآن و اسلام قرار دارد.^{۱۱} انسان انقلابی، نه فقط مرگ‌آگاه است، بلکه «شهادت‌طلب» و «عاشق موت» نیز هست و همین نگرش خاص این انسان به زندگی است که یک نظام جدید منزلت در روابط اجتماعی پی می‌ریزد.^{۱۲} در تحلیل امام خمینی، «شهادت‌طلبی»^{۱۳} و «تحول از رفاه طلبی به سلحشوری»^{۱۴}، از ویژگی‌های انسان انقلابی است.

نگاره شماره دو: مؤلفه‌های انسان انقلابی

امام خمینی در سراسر تحلیل خود از انقلاب اسلامی، بر ایده «انسان انقلابی» تأکید کرده است و مسایل را مبتنی بر آن تحلیل و تبیین می‌کند. این تحلیل، فراتر از وجه تاریخی- اجتماعی خود، می‌تواند مبنایی در تربیت و پرورش «انسان انقلابی» در ادوار مختلف باشد.

قبیل «خدا»، «اسلام»، «استقلال» و «آزادی» محور اندیشه و کنش انسان انقلابی قرار می‌گیرد.^{۱۵}

از منظر امام، یکی از مهم‌ترین ابعاد انقلاب انسانی و انسان پس از آن، این است که «خوف» مبدل شد به آن شجاعت^{۱۶}؛ جامعه ایرانی در شرایط ماقبل انقلاب انسانی، در وضعیت خوف قرار داشت و پس از آن به امن منتقل شد.^{۱۷} ایشان تأکید دارند این انتقال را -از حالت خوف به شجاعت- در فرصت‌های مختلف تکرار کنند.^{۱۸}

بخش دیگری از استدلال امام خمینی بر تحول از «انسان عشرتکده‌ای» به «انسان مجاهد اسلامی»، تأکید دارد که به خوبی دو وضعیت پیش و پس از انقلاب انسانی را در



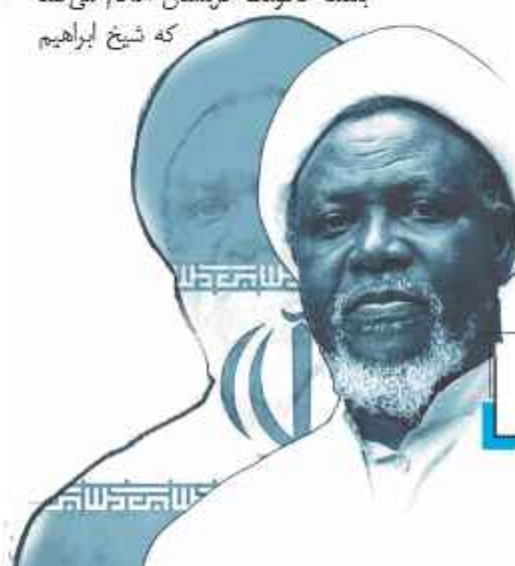
۳۱

پی‌نوشت:

namkhahmojtaba@gmail.com

«سلامت و صلح جهان بسته به انقضای مستکبرین است؛ و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی‌رسند»

۳۳



وارثان حقیقی روح الله

مهر داد عظیمی

زکزاکی - رهبر شیعیان نیجریه - با الهام از تفکرات امام خمینی توانسته طی بیست سال پس از انقلاب اسلامی، بیست و پنج میلیون نفر را به دین اسلام با مذهب تشیع در آورد.^۱ این، تنها یکی از وارثان حقیقی روح الله است.

شاید برای شناخت میراث امام و وارثان حقیقی او، باید صفحات تاریخ را کمی به عقب ورق زد؛

داستان از جایی شروع شد که از فراز منبر مسجد مدرسه فیضیه، صلاهایی شنیده می‌شد که برای غالب مردم ایران تازگی داشت.

ساواک حساس شده بود، بر هر ظالمی که روزی برای خود ابهتی در مقابل مردم ساخته بود، می‌تاخت.

«سلامت و صلح جهان بسته به انقضای مستکبرین است؛ و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است، نمی‌رسند»^۲

گویا نسیم خوش عطر اسلام ناب محمدی سال ۱۳۴۲ از قم شنیده می‌شد.

حرف‌ها تازه، متطوق محکم و عقلائی در اوج بود و چیزی که گفتمان روح الله را از گفتمان دیگران متمایز می‌کرد، پشتوانه دینی

آن بود و این برای همه عجیب بود؛ چرا که تنها کمتر از سیصد سال از تبر تفکر سکولار نیچه و فروید و مارکس بر کهنه درخت کلیسا در غرب گذشته بود و حالا در ایران، تفکری شکل می‌گرفت که دیانت را عین سیاست می‌دانست و این نه تنها برای متفکران جهان که برای سیاستمداران آمریکایی و اروپایی هم چیز عجیبی بود.

لیبرالیسم غربی رقیب تازه‌ای به نام مردم‌سالاری دینی پیدا کرده بود؛ گفتمانی که اسلامی بود ولی بوی خلافت اموی و عباسی را نمی‌داد؛ گفتمانی که عدالت محور بود اما چیزی از مساوات بلوک شرق را به ارث نبرده بود.

امام روح الله کاری کرده بود کارستان؛ توده مردم را با تفکر خود همراه کرده و جریان فکری نابی را احیا کرده بود که سال‌ها از مرز قلم متفکرین اسلامی فراتر نمی‌رفت.

حال که صفحات تاریخ را کمی به جلو ورق می‌زنیم، کمتر از سی سال از پایان حیات مادی احیاگر تفکر اسلام سیاسی می‌گذرد.

روح خدا به خدا پیوسته و از جستجوی حیات معنوی روح الله در میراث ماندگارش گریزی نیست.

به راستی میراث امام خمینی را در کجا می‌توان جستجو کرد؟

وارثان حقیقی امام چه کسانی هستند؟ گرچه می‌توان مانند برخی سیاستمداران امام را مصادره و به قاب عکس کوچکی از ایشان بر روی میز مدیریت پسته کرده اما آیا می‌توان از کنار تفکر اسلام انقلابی، ساده زیستی، استکبارستیزی، توجه به مستضعفین و ستیز با ظالمان به آسانی گذشت و گستره عالم را از این میراث ماندگار خالی دید؟

بی تردید این گفتمان که خود میراث روایات ائمه معصومین (ع) بود، برخلاف تر حکومتی کلیسا و چه بسا برخی از مذاهب اسلامی بر محور عقلائیست و متطوق بنا شده بود و همین هم سبب شد تا قلوب آزادخواهان جهان را به مرور زمان متوجه خود کند و همین توجه کافی بود تا تفکر امام در پهنه عالم میان نخبگان و ملت‌های مظلوم جایگاه خود را مستحکم کند.

انساناً مخاطب سیره علمی و عملی امام، قلوب رنج‌دیده مردم بود نه سیاست‌پویان و حاکمان؛ از این رو رد پای تفکرات امام را ابتدا

۳۴



میان ملت‌ها و نخبگان باید جستجو کرد و در مرحله بعد، به سوی حاکمان و سیاستمداران رفت.

امام برخلاف برخی از رهبران انقلاب‌های مختلف در جهان، تغییر و اصلاح جامعه را ابتدا از سوی تحرک ملت‌ها می‌دید و نه ارتش‌ها و سیاسیون و همین هم تفکر امام را در میان ملت‌ها پایدار کرد؛ تصاویر امام خمینی ابتدا در دست ملت و بعدها بر میز سیاسیون و حاکمان دیده شد.

نتیجه این نظام تفکری شیعه را می‌توان در جای جای عالم از کشورهای حوزه خلیج فارس تا شاخ آفریقا و از عربستان -مهد مکاتب تند و تیز وهابی- تا نیویورک -مهد تفکرات سکولاری- مشاهده نمود.

و این تازه ابتدای ماجرا است.

«ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی‌گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت یا کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا إله إلا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و سیاحتی‌ام! و ای نیروهای مردمی! هرگز از دست دادن موضعی را با تأثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی

بیان نکنید که اینها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت...»^۴

میراث امام را در لبنان باید جستجو کرد؛ زمانی که سیدحسن نصرالله -رهبر حزب‌الله لبنان- بیان می‌کند: «از نظر ما امام خمینی مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه است. ایشان نماد و سمبل انقلاب علیه طاغوت‌ها، مستکبران و نظام‌های استبدادی است»^۵.

میراث امام را باید در یمن جستجو کرد؛ زمانی که شهید سیدحسین بدرالدین الحوثی -رهبر جنبش انصارالله یمن- بیان می‌کند: **«امام خمینی (ره) امامی متقی و امامی عادل بود و همان‌گونه که در حدیث آمده دعوتش رد کردنش نیست»^۶**

میراث امام را باید در فرزندان در گهواره‌اش دید؛ در چمران‌ها و باکری‌ها، در آویتی‌ها و همت‌ها، در شهریارها و احمدی روشن‌ها... آری! میراث امام را باید در خشدالشعبی عراق، در احمد شاه مسعود افغانی که با الهام از تفکرات امام در مقابل ارتش سرخ



و کمونیستی شوروی ایستاد. در شیخ زکزاکی‌ها، در شیخ عیسی قاسم بحرینی و در آیت‌الله نمرها جستجو کرد»^۷

تفکرات امام در پی کثرت‌گشایی جغرافیایی نبود و نیازی به گسترش قلمرو نداشت؛ گفتمان امام به پستوانه توان بالقوه ایدئولوژیک خود، راه خود را به اذهان آحاد ملت‌های ستم‌دیده خوب می‌شناخت و این چیزی نبود که بتوان با جنگ و خون‌ریزی و قطعنامه آن را متوقف کرد.

روخوانه، راه خود را به دریا خوب می‌شناخت...

پی‌نوشت‌ها:

(۱) خبرگزاری فارس، شماره خبر: ۱۳۹۵۰۶۰۹۰۰۱۰۹۱.

(۲) خبرگزاری مشرق، شماره خبر: ۵۴۹۳۹۷.

(۳) امام خمینی، سیدروح‌الله: «صحیفه امام»، ج ۱۲، ص ۱۴۴.

(۴) همان، ج ۲۱، ص ۸۸.

(۵) جنبش حزب الله لبنان گذشته و حال، ص ۱۷۵.

(۶) خبرگزاری فارس، شماره خبر: ۱۳۹۲۰۳۱۳۰۰۱۴۲۱.

(۷) انقلاب اسلامی و تہذیب‌های اسلامی معاصر، روزنامه کیهان، چهارشنبه اول اسفند ۱۳۸۶.



سلوک - عبادی امام خمینی (ره)

محمد عبدالملکی

ما امام -و رهبرمان- را خوب شناختیم؛ متأسفانه بُعد سیاسی و حکومت‌داری این بزرگ‌مرد تاریخ، بُعد روحانی و معنوی ایشان را تحت‌الشعاع قرار داده است. اگر این بُعد معنوی نبود، یقیناً از ایشان رهبری مقتدر و مطمئن ساخته نمی‌شد. عده‌ای برای تہذیب نفس جز دوری از دنیا، گوشه‌گیری مقدس مأبانه و یا کنج عزلت در خانقاه‌ها نمی‌شناختند؛ این راه جز پاک کردن صورت مسأله، ثمره دیگری نخواهد داشت و چه بسا پیونده این راه با کمترین لغزشی عتار نفس را رها کرده و قدم در مسیر انحراف بگذارد.

در مقابل، برخی هم چون امام خمینی (ره) بر مبنای شریعت اسلامی نه با دوری گزیدن از دنیا و اهل آن بلکه در بین آنها و تعامل با یکایک ایشان علاوه بر تہذیب نفس خود و رسیدن به تعالی، موجب هدایت و در مسیر قرار گرفتن سایرین نیز می‌شوند. حضرت امام با وجود مسئولیت خطیر رهبری جامعه اسلامی، ذره‌ای از عبادت و سلوک شخصی خود غافل نشدند، بلکه دقت نظر بیشتری نیز بر این امور داشتند. در ادامه، نمونه‌ای از سیره عبادی این بزرگ‌مرد تاریخ را می‌خوانیم.



نماز را اول وقت بخوانید

خانم نعیمه اشراقی علاقه امام به نماز را این گونه توصیف می کردند: امام به نماز اول وقت خیلی علاقه داشتند؛ حتی در آخرین روز که تقریباً ساعت ده شب بود که این اتفاق افتاد، نماز مغرب و عشاء را با اشاره خواندند. در حالت بیهوشی بودند، یکی از دکترها رفت بالای سرشان و برای اینکه آقا را شاید به وسیله نماز بشود به هوش آورد، گفت «آقا وقت نمازه». همین که این جمله را گفت آقا به هوش آمدند و نمازشان را با اشاره دست خواندند از صبح آن روز هم مرتب از ما سؤال می کردند که «چقدر به ظهر مانده؟»

چون خودشان ساعت دم دستشان نبود و آن قدرت را نداشتند که به ساعت نگاه کنند، یک ربع به یک ربع از من می پرسیدند؛ نه به خاطر اینکه نمازشان قضا نشود، به خاطر اینکه نماز را اول وقت بخوانند.

حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی امام جمارانی: آن روز که امام به بیمارستان

منتقل گردیدند، سفارش فرمودند که ساعت اقامه نماز ظهر و عصر را به ایشان اطلاع دهند و در مرحله اول نمازشان را خواندند و بعد به صرف غذا پرداختند، یکی از روزها در بیمارستان ناگهان متوجه شدند که سیتی حامل غذا وارد اتاق شد، پرسیدند «مگر وقت اقامه نماز فرا رسیده؟» حاضرین در جوابشان گفتند «بله، وقت نماز است». امام با تهییبی رو به حاضرین کرده و فرمودند «پس چرا مرا بیدار نکردید؟» وقتی در جواب گفته شد به دلیل وضع خاص شما نخواستیم بیدارتان کنیم، باز ایشان با نازاحتی گفتند «چرا با من این شکلی برخورد می کنید؟ غذا را پس ببرید تا من نمازم را اقامه سازم.»

ماه مبارک رمضان، ماه ضیافت خدا

ایشان خطاب به جوانان می فرمودند: «جوان ها متوجه باشند که در جوانی می شود اصلاح کند انسان خودش را، هر مقداری که انسان ستش زیاده تر می شود، اقبالش به دنیا بیشتر می شود، جوان ها نزدیک ترند به ملکوت، پیرها هرچه می گذرد، هر چه بر عمرشان می گذرد، هی اضافه می شود یک چیزهایی که آنها را از خدا دور می کند، شماها در فکر باشید که اگر از این ضیافت (ماه رمضان) درست بیرون آمدید آن وقت عید دارید، عید مال کسی است که در این ضیافت راه یافته باشد، استفاده کرده باشد از این ضیافت، همان طوری که شهوات

ظاهری را باید ترک بکنند از شهوات باطنی که بالاترین سد راه است برای انسان، باید از اینها جلوگیری کند. تمام این مفاسدی که در عالم حاصل می شود، برای این است که در این ضیافت وارد نشده اند یا اگر وارد شده اند، استفاده نکرده اند. خطاب، به همه مردم است: همه دعوت شده اید به ضیافت الله، همه مهمان خدا هستید و مهمانی به ترک است.»

حضرت امام (ره) خودشان نیز در این ماه مبارک حالات و عادات منحصر به فردی داشتند. آیت الله توسلی علت کم کاری امام در ماه مبارک رمضان را این طور بازگو می کنند: سر این معنا که امام ملاقات های خودشان را در ماه مبارک رمضان تعطیل می کردند، این بود که بیشتر به دعا و قرآن و خلاصه به خودشان برسد. امام می فرمودند: «خود ماه رمضان کاری است.»

حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان نقل می کردند: امام در ماه رمضان بسیار با قرآن مأیوس بودند، من یاد ندارم که در این ماه شریف خصوصاً در ماه رمضان آخر عمرشان که اوایل سال ۶۸ بود- به محضر ایشان مشرف شوم و ایشان را جز در حالت قرآن خواندن ببینم، هر وقت که کاری پیش می آمد و به محضرشان می رسیدم، می دیدم مشغول تلاوت قرآن مجید هستند.

آیت الله سید محمد بختوردی: وقتی امام در ماه مبارک رمضان در فصل گرمای نجف



برای نماز جماعت ظهر و عصر با زبان روزه به مدرسه مرحوم آیت الله بروجردی تشریف می آوردند. اول هشت رکعت نوافل ظهر را می خواندند و بعد نماز ظهر را با اذان و اقامه نسبتاً طولانی به جا می آوردند و بعد از تعقیب نماز ظهر، هشت رکعت نوافل عصر را می خواندند و بعد نماز عصر را با اذان و اقامه مانند نماز ظهر ادا می کردند و بعد از تعقیبات تشریف می بردند این کار در آن سن و آن هوای گرم و آن حال روزه، کار آسانی نبود که حتی جوان ها بتوانند موفق به آن شوند، اما امام با اقبال تمام، این گونه در عبادت جدیت داشتند.»

پی نوشت

(۱) امام خمینی، سید روح الله: «صحیفه امام»، ج ۵، ص ۴۵.

«تمایم خاطرات بیان شده، برگرفته از کتاب درس هایی از امام (عبادت و خودسازی) به گردآوری و تنظیم رسول سعادت مند می باشد»





پرتال آفاق

درگاه برای ارائه خدمات و محتوای ترویجی، تبلیغی و تربیتی در عرصه نوجوان

مخاطب:

مبلغان، مربیان، فعالان فرهنگ تربیتی عرصه نوجوان

خدمات:

پرتال تخصصی پرسمان نوجوان



پرتال تخصصی تربیت دخترانه



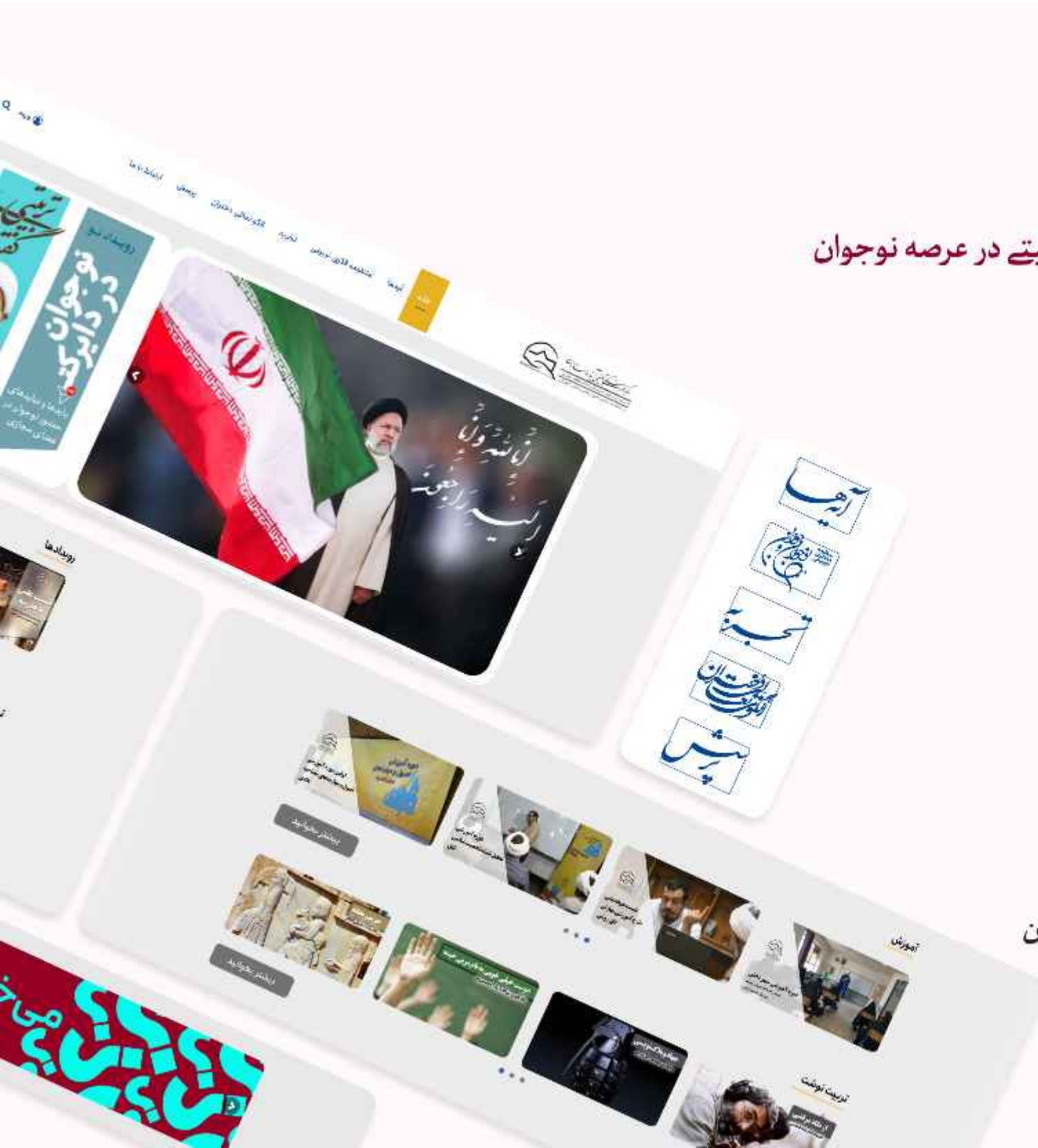
پرتال تخصصی تجربیات تبلیغی



پرتال منظومه فکری تربیتی نوجوان و جوان



پرتال تخصصی آیات تربیتی



خطّ امام، خدمتی نواز مرکز فرهنگی

تبلیغی آینده سازان به مناسبت
سالگرد رحلت امام خمینی (ره)
است. این پرونده ویژه می تواند
کمک شایانی به مربیان، مبلغان و
فعالان عرصه نوجوان در شناسایی
اندیشه ها و مواضع امام راحل به
نوجوان داشته باشد.

